

رهایی بندرعباس از سلطه امامان مسقط

دکتر محمد حسن بیگی^۱

عباس عرب^۲

چکیده

مقدمه

در گذشته بواسطه تمرکز قدرتهای محلی و عدم قدرت لازم توسط قدرت مرکزی، ایالات در مقایس امروزی از وسعت زیادتری برخوردار بودند. اگر بخواهیم ایالات آن زمان را با حدود ایالات در زمان حاضر مقایسه کنیم، باید بگوییم نیمه جنوبی ایران که امروزه شامل سیزده ایالت میشود، در آن زمان بسختی از چهار الی پنج استان فراتر میرفته است. ایالت فارس نیز به همین صورت، محدوده بزرگی را از نواحی غربی ایالت عربستان یا خوزستان امروزی در سمت غرب تا خلیج فارس در جنوب و اصفهان و کرمان در شمال و شرق خود را شامل میشده است و حتی ما میبینیم در دروههایی کرمان نیز بنحوی تحت سلطه حاکمان فارس بوده و محدوده این استان تا بلوچستان در شرق میرفته است. بندرعباس یکی از مناطق مهم این ایالت بود که در اواخر دروه قاجار و بدلیل رشد تجارت دریایی و موضوع استعمار در نواحی خلیج فارس اهمیت ویژه‌یی یافته بود. وجود استعمار انگلیس در جنوب، بیشتر از همه جا کار حکام فارس را مشکل کرده بود. انگلستان که از نیروی دریایی قدرتمندی برخوردار بود و براحتی میتوانست بر تردد دریایی منطقه اعمال نفوذ کند و هرچه بیشتر امتیازاتی را از حکام ایرانی مطالبه نماید. آنها برخی از نیروهای محلی، از جمله امامان خارجی در مسقط را به انجام فعالیتهایی در نواحی مرزی ایرانی تحریک میکردند که این امر کار حاکمان فارس را مشکلتر میکرد.

ایالت فارس و نواحی جنوبی آن، از جمله بوشهر و بندرعباس، در اواخر دوره قاجار اهمیت ویژه‌یی را در تاریخ ایران پیدا کردند. آنجا دروازه ارتباط ایران با دنیا بود و حضور انگلیس در این منطقه و مطامع استعماری آن کشور در آنجا بر اهمیت آن مناطق افزوده بود. حفظ هندوستان برای انگلستان اهمیت ویژه‌یی داشت و چون جنوب ایران راه ورود به هند بود، کاستن اقتدار ایران در خلیج فارس و ایجاد رقاباتی برای دولت ایران از سیاستهای انگلیس در این ناحیه بود. در زمان ناصرالدین شاه، امامان خارجی (خوارج) مسقط در عمان که تا چندی پیشتر به دولت عثمانی وابسته بودند، خود را تحت حمایت انگلستان قرار دادند و با همین حربه و با استفاده از عدم تمرکز قدرت ایران در نواحی جنوبی به این مناطق وارد شدند و بندرعباس را از حکام فارس اجاره کردند. ورود آنان به این منطقه حاکمیت ایران را به مخاطره افکند و مردم برای طرد آنان تلاشهای زیادی را انجام دادند؛ اما سرانجام بشکلی اتفاقی از این منطقه رانده شدند و تاریخ ایران از بوجود آمدن بحرینی دیگر در دوره‌های بعد رهایی یافت.

کلیدواژگان

ایالت فارس؛ امامان مسقط؛ خلیج فارس؛ بندرعباس؛
حسام السلطنه

مجموع این عوامل باعث شد تا ایالت فارس و سرزمینهای تابعه آن از اهمیت ویژه‌یی برای دربار تهران برخوردار شود.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک؛ mohaamad.beigi@gmail.com
۲. کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه تهران؛ abas.arab5@gmail.com

به میرزا تقی‌خان فراهانی وزیر نظام داد و او را به لقب صدر اعظم و اتابک اعظم و امیر کبیر مفتخر ساخت (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۲: ۱۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۶۲؛ سایکس، ۱۳۶۲: ۲/۵۲۹). در این زمان، نظام‌الدوله حاکم فارس بود، اما ادامهٔ حکومت او بدلیل نارضایتی مردم و دشمنی شخصی صدراعظم با او مورد قبول دربار قرار نگرفت و پس از دوره‌ی جنگ و آشوب، بهرام میرزا عموی ناصرالدین شاه به حکومت فارس رفت و با خاموش کردن آتش فتنه، در حدود اختیاراتی که داشت امور را سرورسامان داد (سپهر، ۱۳۵۳: ۳/۱۷۱؛ بامداد، ۱۳۸۴: ۱۲۹). بهرام میرزا پس از اندکی از حکومت فارس برکنار شد و فیروز میرزا که پیشتر نیز حاکم فارس بود به حکومت فارس منتسب شد. او بخوبی امور فارس را بهبود بخشید و نظمی در آنجا برقرار ساخت. خورموجی دربارهٔ فیروز میرزا مینویسد: «غایت سعی و جهد مبذول نمود، فارسی تازه شد و رونق بی‌اندازه یافت» (خورموجی، ۱۳۸۳: ۸۷).

سومین حاکم فارس در عصر ناصرالدین شاه، طهماسب میرزا مؤیدالدوله بود. وی در سال ۱۲۶۹ هـ.ق، به جای فیروز میرزا به حکومت فارس منصوب شد و در حدود شش سال حاکم آنجا بود (بامداد، ۱۳۸۴: ۴۰۸). در دورهٔ حکومت او اولین درگیری بین امام مسقط و حاکم فارس رخ داد. امامان مسقط، بندرعباس را در اجارهٔ خود داشتند و سالانه مبالغی را بعنوان اجاره بهاء به حاکم فارس میپرداختند. علت درگیری قتل شیخ سیف حاکم بندرعباس توسط صید سعید امام مسقط بود. صید سعید پس از قتل شیخ سیف، حکومت را به شیخ سعیدخان واگذار کرد و او از روی غرور از دادن مالیات به دولت ایران سرپیچی کرد و دعوی استقلال نمود. مقارن همین احوال حاج محمد رحیم‌خان شیرازی که سالها در بمبئی ملک‌التجار بود، از تهران به حکومت بندرعباس مأمور شد و راهی شیراز گشت تا با مساعدت طهماسب میرزا به بندرعباس رود. طهماسب میرزا نیز سپاه عرب را به همراه یکی از سردارانش بنام رضاقلی‌خان، مأمور تخلیهٔ بندرعباس از قوای طرفدار امامان مسقط کرد. حاج محمد رحیم‌خان به همراه قوای دولتی به بندرعباس رفت ولیکن شیخ سعیدخان او را فریفت، تا نیروی دولتی را مرخص نماید و نامه‌ی به طهماسب میرزا در شش منزلی بندرعباس نوشت که در مرکز حکومت استقلال است و نیازی به سپاهیان

آنها تلاش میکردند با گسیل نیروهای مجرب و بعضاً وفادار به دربار که بیشتر از میان شاهزادگان قاجاری بودند، تحرکات منطقه را زیر نظر بگیرند. این حکام نیز برای راحتی کار خود و ممانعت از آشوب وابستگان حکام سابق، تلاش میکردند با تسلط بر قدرت، مهره‌های خود را بر نواحی مختلف بگمارند که این مسئله گرچه در کوتاه‌مدت از برخی آشوبهای منطقه‌ی جلوگیری میکرد، اما در کل بی‌ثباتی را بر منطقه حاکم میگردانید؛ زیرا نیروهای جدید بمحض اینکه میخواستند با ویژگیهای منطقه‌ی و سوق‌الجیشی آشنا شوند، تغییر میکردند و این، کار را برای بیگانگان و بخصوص انگلستان و دست‌نشاندهانش، یعنی امامان مسقط، آسانتر میکرد.

یکی از رخدادهای مهم این زمان، فسخ قرارداد اجاری بندرعباس با امامان مسقط بود که در زمان حسام‌السلطنه اتفاق افتاد. این قرارداد پیش از ناصرالدین شاه منعقد شده بود و در عصر ناصرالدین شاه، موجب درگیریهایی بین حاکم فارس و امامان مسقط گردید. گرچه در تاریخ به این واقعه توجه کمی میشود، ولی باید گفت که یکی از مهمترین رویدادهای تاریخی ایران معاصر است که اولاً، از عوض شدن بافت جمعیتی بندرعباس به عرب جلوگیری کرد و ثانیاً، از مطامع استعماری بیشتر در این منطقه و ایجاد بحرین دیگری در دروه‌های بعد ممانعت بعمل آورد.

تحولات جنوب ایران در عهد ناصرالدین شاه

محمد شاه قبل از مرگ، ناصرالدین میرزا، فرزندش را به ولیعهدی خویش انتخاب کرده و بر حکومت تبریز گمارد. در سال ۱۲۶۴ هـ.ق، محمد شاه فوت کرد و خبر مرگ شاه توسط ژنرال آنچیکف روسی به ناصرالدین میرزا رسید، وی با حسن تدبیر و کاردانی میرزا محمد تقی‌خان فراهانی در روز یکشنبه هجدهم شوال سال ۱۲۶۴ هـ.ق، در تبریز تاجگذاری کرد و روز بعد همراه با سفرای روس، انگلیس و میرزا تقی‌خان وزیر نظام و سپاه مجهز رهسپار پایتخت شد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۱۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۷۲). او در بیست و یکم ذی‌قعدة پس از شش هفته به تهران رسید و در شب بیست و دوم ذی‌قعدة سال ۱۲۶۴ هـ.ق، با کمک امیرکبیر در حالی که در حدود پانزده سال سن داشت به تخت سلطنت جلوس کرد و صدارت را

در این زمان، صید سعید، امام مسقط که دید با زور نمیتواند بندرعباس را به تصرف درآورد، درصدد برآمد که از راه صلح وارد شود و مجدداً بندرعباس و توابع آن را اجاره نماید. وی برای این منظور، حاج عبدالمحمد ملکالتجار بوشهر را به مسقط فراخواند و با سیاست و وعده و وعید و نیز تهدید از وی خواست تا در این میان وساطت نماید. پس از مشورت‌های انجام شده میان صید سعید و حاج عبدالمحمد، قرار بر این شد که صید سعید، شیخ عبدالله مسقطی را با هدایای فراوان به دربار تهران بفرستد و ملکالتجار نیز فرستاده‌یی به تهران اعزام دارد و منافع رعیت را در برقراری روابط با امام مسقط گوشزد نماید. با رسیدن نماینده امام مسقط نزد آقاخان نوری که پس از قتل امیرکبیر صدراعظم ایران شده بود و در این زمان بدلیل وقوع جنگ هرات بشدت درگیر امور شرقی ایران بود، با درخواست امام مسقط موافقت شد و قراردادی در هفده ماده تنظیم شد که امام مسقط جز یک مورد که همانا دخالت فرانسه در ضمانت اجرای قرارداد بود، بقیه را قبول کرد و در بیستم شعبان سال ۱۲۷۲ ه.ق، قرارداد امضاء شد و بمدت بیست سال بندرعباس در اختیار امام مسقط قرار گرفت (سایکس، ۱۳۶۳: ۲/۵۰۸؛ رزبیک، ۱۴۰۳ قمری: ۵۵۲ - ۵۵۳). یکی از مفاد مهم این قرارداد دخالت والی فارس در عزل حاکم بندرعباس بود و حاکم بندرعباس باید تابع دولت ایران و در اطاعت والی فارس باشد. کمی پس از انعقاد قرارداد، اموال تجار ایرانی که سه سال در قشم توقیف شده بود، تسلیم حاج عبدالمحمد ملکالتجار بوشهر شد و پس از آن صید سعید حکومت بندرعباس را به شیخ سعید سپرد و سفیری را با پیشکشها و هدایای گرانبها روانه دربار ایران کرد. دربار ایران نیز در جواب هدایا، یک قطعه نشان تمثال همایونی به مسقط ارسال کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۷۹۵).

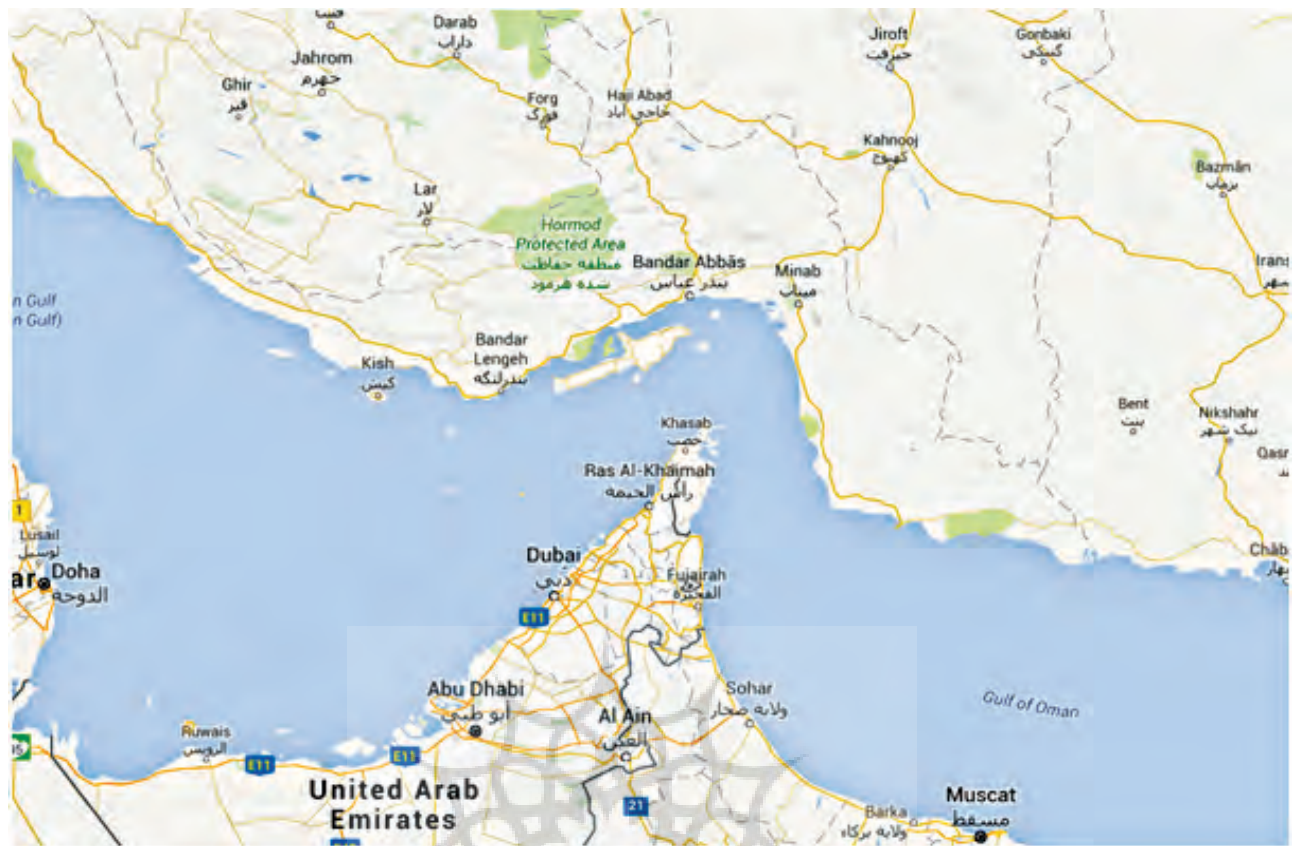
پس از عقد قرارداد در سال ۱۲۷۲ ه.ق، تغییرات عمده‌یی در ساختار اداری بندرعباس بوجود آمد که براساس آن، مأموران مرکزی تحت عناوین «ناظم مهام خارجه بندرعباسی»، وقایع‌نویس و کارگزار، از طرف والی فارس به بندرعباس اعزام شدند تا از نزدیک، ناظر نحوه اداره آنجا باشند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/۸۲۴).

نیست. طهماسب میرزا نیز به شیراز بازگشت (خورموجی، ۱۳۸۳: ۱۲۷)؛ لیکن حاج محمد رحیم‌خان توسط شیخ سعید دستگیر و در جزیره هرمز زندانی شد.

در اوایل سال ۱۲۷۰ ه.ق، از تهران به طهماسب میرزا دستور داده شد تا با حمله به بندرعباس، حاج محمد رحیم‌خان را آزاد سازد. طهماسب میرزا نیز پیرو این دستور با سپاهی بطرف بندرعباس حرکت کرد و شیخ سعید از ترس به قشم فرار کرد و بندرعباس به تصرف نیروهای ایرانی درآمد (همان: ۱۳۴). طهماسب میرزا پس از تصرف بندرعباس، مدت پنجاه روز در آنجا ماند و امور را منظم ساخت و عباس‌خان همدانی را با تعدادی سرباز و تفنگچی بر حکومت بندرعباس گماشت و به شیراز بازگشت. پس از مدتی صید سعید خان امام مسقط، پسر خود سید ثوینی را با لشکری بطرف بندرعباس فرستاد و او مجدداً آنجا را به تصرف امامان مسقط درآورد و در آنجا به استحکام قلعه و حفر خندق و ساختن سنگر مشغول شد.

طهماسب میرزا پس از شنیدن این خبر، پسرش عبدالباقی میرزا را به دفع سید ثوینی فرستاد. حاکم کرمان نیز به دستور تهران نیرویی را به یاری آنان گسیل کرد. دو لشکر در حدود پانزده هزار نفر بودند (فرامرزی، ۱۳۸۳: ۱۷۳) و در نیم فرسنگی بندرعباس با هم تلافی و بطرف بندرعباس حرکت کردند. اعراب طرفدار حاکم عمان برخی هلاک و برخی به دریا فرار کردند و شکست سختی خوردند و سید ثوینی به قشم گریخت. این در حالی بود که نیروهای انگلیسی نیز از اعراب حمایت میکردند و مزدورانه در طول نبرد، مانع رسیدن آذوقه و نیروهای کمکی از بندر لنگه و عسلویه به طهماسب میرزا میشدند و از عبور و مرور کشتیهای ایرانی بسمت بندرعباس جلوگیری میکردند، اما این امر مانع پیروزی ایرانیان نشد.

عبدالباقی میرزا، پس از آن، باقرخان تنگستانی را به محافظت بندرعباس گمارد و به شیراز بازگشت؛ (خورموجی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۷، ۱۳۶/۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۱۲۱۹ و فرامرزی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۷) ولی همزمان با این موضوع، مسئله هرات و حمله انگلیسیها به بوشهر پیش آمد که موجبات غفلت حکومت مرکزی از بندرعباس را رقم زد.



اوضاع سیاسی استان فارس بزرگ در دوره قاجار

آزادی بندرعباس از سلطه امامان مسقط

حسام‌السلطنه در فارس

جاری، حکومت بلوکات و نواحی فارس را به نزدیکان و اطرافیان خود سپرد و چون از قطعیت و کاردانی لازم برخوردار بود، تأثیر مهمی در انتظام امور کرانه‌های جنوبی برجای گذاشت و شخصاً به بازرسی و نظارت در امور بندرعباس و توابع آن پرداخت. انعکاس حضور وی در فارس چنان بود که سید ثوینی اقدام به ارسال پیشکش و نماینده نزد حسام‌السلطنه نمود و از او برای مقابله با شورشهای عمان یاری خواست.

در سال ۱۲۷۶ ه.ق سید ثوینی که جانشین پدر در امامت مسقط شده بود، حکومت بندرعباس را به حاج احمدخان کبابی وزیر مسقط و عمان واگذار کرد (همانجا). احمدخان کبابی متشخصترین و قویترین مهره حاکم مسقط بود و این عمل، انعکاسی به حضور حسام‌السلطنه در فارس و ترس امامان مسقط از او بود تا بدین طریق بندرعباس را از دست

در شانزدهم شعبان سال ۱۲۷۵ ه.ق، طهماسب میرزا از حکومت فارس عزل شد و بجای وی، عموی شاه حسام‌السلطنه والی فارس شد که تا سال ۱۲۷۷ ه.ق بمدت دو سال حاکم فارس بود (بامداد، ۱۳۸۴: ۳۵۹).

حسام‌السلطنه مراد میرزا پسر سیزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه بود. وی در سال ۱۲۳۲ ه.ق، متولد و در سال ۱۳۰۰ ه.ق درگذشت. او در سال ۱۲۶۶ ه.ق، پس از شکست دادن سالار و فتوحات نمایان در خراسان به حسام‌السلطنه معروف شد و از سال ۱۲۷۲ ه.ق تا ۱۲۷۵ ه.ق، والی خراسان بود. در این فاصله زمانی مسئله هرات و حمله بریتانیا به بوشهر روی داد و لشکرکشی به هرات بدون موفقیت پایان یافت تا او در سال ۱۲۷۵ ه.ق والی فارس شد.

حسام‌السلطنه پس از ورود به فارس براساس رسمی

فسخ قرارداد بندرعباس (۱۲۸۳ هـ.ق)

مرگ سید ثوینی امام مسقط و روی کار آمدن سید سالم بجای او، موجب برخی اختلافات بین حاکم فارس و امام جدید شد. برخلاف مفاد عهدنامه انعقادی که برخی امتیازات را به تجار ایرانی داده بود، گزارشاتی مبنی بر ظلم و ستم نسبت به رعایای بندرعباس و توابع آن به دربار ایران رسید. در تاریخ جهانگیریه آمده است:

مبالغ زیادی بر عوارض و مالیات گمرکی و عبور و مرور بندرعباس افزوده بودند و چون این طاقت فرسا بود، مردم را تحت فشار آورده، عمال وی با عنف و اجبار مالیاتهای سنگین با جرایم دیر کرد و یا بعنوان تخلف از مردم و عابرین اخذ مینمودند، بنابراین عده‌یی از تجار به دربار ناصرالدین شاه و فرمانفرمای فارس به عرض رسانیده (بنی‌عباسیان بستگی، ۱۳۳۹: ۲۵۲).

بنا به یک سند که مربوط به تاریخ ۱۶ ذیحجه سال ۱۲۶۹ هـ.ق است، مالیات زیادی از مردم در این دوره گرفته میشد:

مال التجاره که از ولایت ایران به بندرعباس می‌آید که حمل به بندر بمبئی شود و حال آنکه بغله یک سر از بندرعباسی، دیگر عشور نه مسقط به کدام قانون و قاعده درست می‌آید که مال التجاره بجهت بندر دیگر حمل میشود و ابداً گذر به آن شهر نمیکند؛ عشور آن شهر را از آن دریافت مینماید مدتهاست که به همین قانون حرکت میکرده و میکنند. از بیچاره تجار اهل ایران دو عشر میگیرند و ضرر به تبعه دولت علیه میرسد. انگلیسیها از این امر مطلع شده، داد و فریاد نمودند (وثوقی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

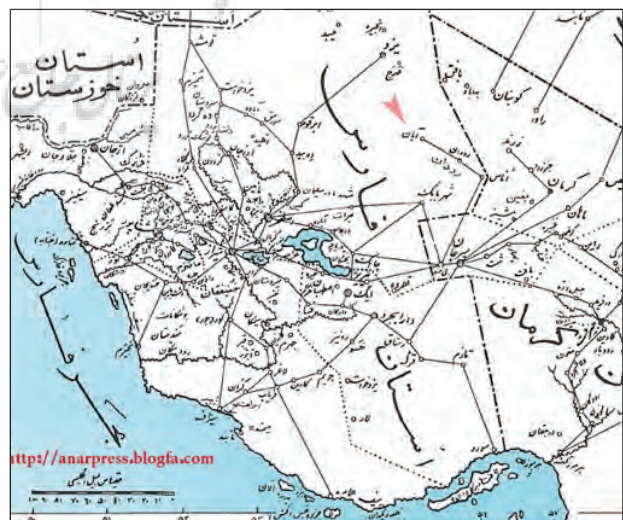
علاوه بر اینها تا مدتی نیز به تعهدات مالی آمده در مضمون عهدنامه عمل نمیشد.

از فاصله مرگ سید ثوینی تا تثبیت قدرت سید سالم در مسقط، حکومت بندرعباس به شیخ سعید حاکم سابق بندرعباس بعنوان تابع ایران اجاره داده شد. در سال ۱۲۸۴ هـ.ق، امام مسقط شیخ سعید را به مسقط احضار کرد و بجای وی سید خالد را به حکومت بندرعباس منصوب نمود.

ندهند. با این حال، حسام‌السلطنه با همه شایستگی‌هایی که داشت در اوایل سال ۱۲۷۷ هـ.ق از حکومت فارس معزول گشت و بجای وی طهماسب میرزا دوباره حاکم فارس شد.

در بین سالهای ۱۲۷۷ هـ.ق تا ۱۲۸۲ هـ.ق، مؤیدالدوله برای بار دوم و همچنین ظل‌السلطان برای مدتی کوتاه به حکومت فارس منصوب شدند که اوضاع روال عادی خود را داشت تا اینکه حسام‌السلطنه دوباره به جای ظل‌السلطان حاکم فارس شد و به همراه میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک عازم شیراز شد. وی در حوالی اصفهان نامه‌یی به احتشام‌الدوله برادرزاده و داماد خود در کهگیلویه نوشت و او را بر ناحیه تحت نفوذ خود ابقاء کرد و از وی خواست پیش او بیاید. احتشام‌الدوله نیز تا مشهد امانت‌بندی به استقبال عمویش رفت و به ملاقات وی نائل آمد. حسام‌السلطنه در راه خود به شیراز حاج رضا آقاسی را بعلت اغتشاش و آشوبگری، در تخت جمشید اسیر کرد و از میان برد و در نوزدهم رجب سال ۱۲۸۲ هـ.ق، وارد شیراز شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/۸۲۶).

وی پس از ورود، میرزا محمد قوام‌الدوله فراهانی، وزیر فارس را بعلت بدرفتاری با مردم معزول ساخت و بجای وی، میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک را به وزارت منصوب کرد و مجدداً مانند سایر حکام ابتدا به نصب اوامر خود در نواحی مختلف پرداخت.



رابطه مسقط با بندرعباس

الایاله، حاکم لارستان و بندرعباس از حکومت آن نواحی استعفا داد و به شیراز بازگشت و حسام‌السلطنه برادرزاده خود بنام سلیمان میرزا را به حکومت لارستان و سبعه منصوب کرد (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۰: ۱۵۷).

اما رخدادی که در سال ۱۲۸۵ هـ.ق اتفاق افتاد، موجب سنگینی کفه ترازوی قدرت ایران در بندرعباس شد، زیرا سید سالم بعلت شورش در مسقط بناچار به بندرعباس گریخت و از آنجا به قشم رفت. دولت انگلیس نیز از وی حمایت نکرد و در عوض، حاج احمدخان را به بمبئی احضار کرد و طی دستورالعملهایی وی را به بندرعباس باز فرستاد. چون حسام‌السلطنه خبر فرار سید سالم را به جزیره قشم و رفتن حاج احمدخان به بمبئی شنید، مأموری به بندرعباس فرستاد و به مردم و بزرگان آن بندر اعلام کرد که دیناری بابت مالیات به سید سالم ندهند. حاج احمدخان چون از دستور وی با خبر شد، بلافاصله در خدمت دولت ایران درآمد و ضمن اعلام تابعیت حاکم فارس بندرعباس و مضافات آن را اجاره کرد (همانجا). حاج احمدخان به حسام‌السلطنه گفت: «اگر در سابق نوکری امام مسقط، مأمور نواحی بندرعباس بودم، اکنون از نوکری او گذشتم و خود را نوکر و مأمور نواب اشرف والا میدانم. آنچه سید سالم از وجوهات این نواحی از من میخواست بیشتر و بهتر به شما میدهم». حسام‌السلطنه با درخواست وی موافقت کرد و حاج احمدخان کبابی، حاکم بندرعباس شد. به این ترتیب که همدست امام مسقط از بندرعباس کوتاه شود و هم انگلیسیها از وی راضی بودند. با این حال، حاکم لارستان و بستک که بندرعباس را جزء حوزه خود میدانست، با این موضوع مخالفت کرد، اما او نیز در نهایت با میانجیگری حسام‌السلطنه بدان رضایت داد (بنی‌عباسیان، ۱۳۳۹: ۲۵۳-۲۵۴). امام مسقط نیز بدلیل مشکلات داخلی دیگر نتوانست در بندرعباس دخالت کند. از این پس ضابطی بندرعباس از دست امام مسقط خارج و ضابط آنجا مستقیماً از طرف فرمانفرمای فارس و گاه از سوی شاه انتخاب میشد. حاج احمدخان تا سال ۱۲۸۹ هـ.ق، ضابط بندرعباس بود. در این سال، این مقام به احمدشاه مینابی تفویض شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/۸۳۳) و تا پایان حکومت حسام‌السلطنه در دست او بود (بامداد، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

در این زمان، ظلم به رعایای ایرانی تداوم یافت و روند پرداختن مالیات بندرعباسی موجب شد تا حسام‌السلطنه از سوی دولت مأمور تصاحب این شهر شود (گرومن، ۱۳۷۸: ۲۰۵). حسام‌السلطنه در رمضان سال ۱۲۸۴ هـ.ق، از راه سروستان و فسا بطرف بندرعباس حرکت کرد و در داراب، مهدی‌قلی میرزا، والی لارستان را احضار و او را مأمور حمله به بندرعباس نمود. مهدی‌قلی میرزا با راحتی موفق شد بندرعباس را تصرف نماید و پس از آن حسام‌السلطنه وارد بندرعباس شد. البته ظاهراً حسام‌السلطنه در این زمان، قصد تسخیر بندرعباس از دست امامان مسقط را نداشت؛ چراکه به عمال امام مسقط میگوید: قصد ما استرداد بندرعباس و نواحی آن از امام مسقط نیست و تا زمانی که مدت اجاره آن به پایان نرسیده است، در تصرف امام مسقط است، منتها نباید بگذارد ظلمی به رعایای این منطقه شود و حاکمی که مورد تأیید ما باشد بر آن بگمارد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/۸۳۰). مطابق این سخنان حسام‌السلطنه نامه‌یی به امام مسقط نوشت، ولی وی جوابی نداد و به همین سبب حسام‌السلطنه حکومت بندرعباس، شمیل، میناب و تمامی نواحی را ضمیمه لارستان نمود و به مهدی‌قلی میرزا سپرد و خود به شیراز آمد.

اما هنگامی که حسام‌السلطنه به شیراز رسید، نامه‌یی از سید سالم بدست او رسید که اظهار داشت: اگر حسام‌السلطنه اجازه دهد، حاج احمدخان کبابی را به شیراز بفرستیم تا کار بندرعباس به او واگذار گردد تا رعایا از ظلم شکایت نداشته باشند (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۱۴۳). حسام‌السلطنه این پیشنهاد را پذیرفت؛ چراکه احتمالاً قصد استرداد بندرعباس از امامان مسقط را نداشت و احتمالاً علت حمله او به آنجا، مقابله با ظلم به رعایا و اخذ مالیات عقب افتاده بود. حاج احمدخان کبابی با سیزده هزار تومان بعنوان مالیات و سه هزار تومان بعنوان پیشکش خدمت حسام‌السلطنه رسید و در نهایت قرارداد جدیدی در پانزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ هـ.ق، در پانزده ماده میان سید سالم و حسام‌السلطنه منعقد شد که براساس توافق جدید، مبلغ اجاره به سی و دو هزار تومان افزایش یافت و مدت آن هشت سال معین گردید. یحیی میرزا نائب سهام‌الملک از بندرعباس احضار شد و حاج احمدخان، سعید بن مسلم را بر حکومت بندرعباس گمارد و بدنبال آن، اسدالله میرزا نائب

نتیجه‌گیری

- بنی عباسیان بستکی، محمداعظم خان؛ تاریخ جهانگیری و بنی عباسیان بستک، بکوشش عباس انجم، تهران: بی‌نا، ۱۳۳۹.

- پولاک، ادوارد یاکوب؛ سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.

- حسینی فسایی، میرزا حسن؛ فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۷۸.

- خورموجی، محمد جعفر؛ حقایق الاخبار ناصری، بکوشش سیدحسین خدیو جم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

- رزیک، حمید بن محمد؛ فتح المبین فی سیره الساده البوسعیدیین. بکوشش عبدالمنعم عامر و محمد مرسی عبدالله، قاهره: ۱۴۰۳. ق/ ۱۹۸۳. م.

- سایکس، سر پرسی؛ تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، ج ۲، ۱۳۶۳.

- سپهر، محمدتقی خان لسان الملک؛ نسخ التواریخ، تصحیح و حواشی محمد باقر بهبودی، تهران: اسلامیه، ج ۳، ۱۳۵۳.

- سدید السلطنه کبابی، محمدعلی خان؛ تاریخ مسقط، عمان، بحرین و قطر (اعلام الناس فی احوال بندرعباس)، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.

- فرامرزی، احمد؛ عمان، به اهتمام حسن فرامرزی، تهران: نشر همسایه، ۱۳۸۳.

- گرومن، استیون؛ چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران (۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰)، ترجمه حسن زنگنه، قم: نشر همسایه، ۱۳۷۸.

- وثوقی، محمد باقر؛ حبیبی، حسن؛ بررسی تاریخی - سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس، تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۷.

رهایی بندرعباس از سلطه و نفوذ امامان مسقط، موجب شد تا نفوذ ایران در این منطقه بی‌رقیب گردد. این تحول گرچه آرام و بعضاً اتفاقی رخ داد، اما موجب کوتاه شدن نفوذ استعمار انگلیس و نیروهای تابع آن یعنی امامان مسقط از بندرعباس شد. حضور امامان مسقط برای دوره‌های طولانی در بندرعباس می‌توانست موجب ایجاد ادعای آنان برای حضور دائمی در آنجا شود و هرچه بیشتر بافت جمعیتی آن را از فارسی و ایرانی بسمت عرب تغییر دهد؛ همچنانکه نفوذ آن احتمالاً می‌توانست موجب نفوذ مذهب خوارج «مذهب امامان مسقط» در این ناحیه و ایجاد تابعیت و علقه بیشتر نسبت به عمان گردد.

حسام‌السلطنه گرچه بشکلی تصادفی به این روند پایان داد، اما توانست خدمت مهمی را در تاریخ معاصر ایران انجام دهد. او برای همیشه، دست استعمار انگلیس و طرفدارانشان، یعنی امامان مسقط را از این ناحیه که ارتباط برّی با خاک ایران داشت، کوتاه ساخت و از شکل‌گیری بحرینی دیگر در ناحیه‌یی متصل به خاک ایران در دوره‌های بعد ممانعت کرد.

منابع

- آدمیت، فریدون؛ امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ مرآه البلدان، بکوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

- _____؛ تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ج ۳، ۱۳۶۷.

- اقبال آشتیانی، عباس؛ مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران: انتشارات مجلس، ۱۳۲۸.

- اقبال آشتیانی، عباس؛ «حسن علی خان میرنظام»، مجله یادگار، س ۳، ش ۷ و ۸، ۱۳۵۲.

- بامداد، مهدی؛ شرح رجال ایران (قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ه.ق)، تلخیص ذبیح‌الله‌زاده شکوری، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۴.